

## عوامل و الگوی انگیزش

## از دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی: نگاهی تحلیلی - روان‌شناختی

amini.2960@yahoo.com

bashiri@Qabas.net

mraoeei@yahoo.com

محمدحسین امینی / کارشناس ارشد روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

ابوالقاسم بشیری / استادیار گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

رحیم ناروئی نصرتی / دانشیار گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۵ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۹

## چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی عوامل انگیزشی رفتار بر اساس دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی و طراحی الگوی نظری انگیزش، در چارچوب دیدگاه ایشان می‌باشد. بدین منظور، ابتدا به آثار آیت‌الله مصباح‌یزدی مراجعه و نقطه نظرات ایشان در ارتباط با عوامل و فرایندهای انگیزشی انسان جمع‌آوری گردید. سپس، به روش توصیفی - تحلیلی دیدگاه و طرح انگیزشی ایشان، با نگاهی روان‌شناختی بسط و گسترش داده شد و در قالب یک نمودار شبکه‌ای، به‌عنوان الگوی اولیه برای انگیزش رفتار ارائه گردید. بر اساس دیدگاه ایشان، انسان دارای دو ساختی، هدفمند، جاودانه، ذاتاً دارای اختیار و قدرت انتخاب، عالی‌ترین موجود و نزد خداوند دارای کرامت است و گرایش به سمت کمال دارد. در بعد انگیزش و انرژی رفتار، انسان دارای پویای نفس، گرایش‌های بنیادی نفس، شناخت، نحوه جهان‌بینی و اراده مؤلفه‌های انگیزشی رفتار می‌باشد. به علاوه، با توجه به الگوی ویژه‌ای که ایشان برای ساختار نفس ارائه کرده‌اند، خود نفس و گرایش‌های بنیادی آن، اصالت داشته و تأمین‌کننده انرژی و جهت همه رفتارها می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: الگو، انگیزش، آیت‌الله مصباح‌یزدی.

## مقدمه

در روان‌شناسی، از سازه انگیزش برای توصیف و توضیح رفتار استفاده می‌کنند (خدایپناهی، ۱۳۸۷، ص ۱۳). علاوه بر روان‌شناسی، انگیزش در سایر علوم مانند فقه، اخلاق، تعلیم و تربیت، پزشکی، فیزیولوژی، عصب‌شناسی نیز مطرح می‌باشد؛ زیرا انگیزه و قصد به‌عنوان یکی از جنبه‌های اساسی انگیزش، در حوزه فقه شرط صحت و قبولی برخی اعمال و در واقع روح عمل به حساب می‌آید. در اخلاق نیز انگیزه به‌عنوان اساس ارزش کارهای اخلاقی، و در تعامل بین معلم - شاگرد و پزشک - بیمار نقش کلیدی دارد. همچنین، به لحاظ کشف مبانی فیزیولوژیک انگیزش، به‌ویژه کشاننده‌ها، ساختار و راه‌های عصبی به‌عنوان مبانی پدیده‌های انگیزشی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با وجود این، جایگاه انگیزش در روان‌شناسی، بیش از سایر علوم است (بشیری، ۱۳۹۳). بررسی انگیزش، مبتنی بر پاسخ به چند سؤال اساسی است: چه چیزی موجب رفتار می‌شود؟ چرا انسان در مواقع مختلف، رفتارهای متفاوتی انجام می‌دهد؟ چرا درجه شدت رفتار، تغییر می‌کند؟ چرا افراد در شرایط مساوی، رفتارهای متفاوتی انجام می‌دهند؟ چرا در برخی رفتارها، گرایش به تکرار وجود دارد و بعضی کارها، فقط یکبار انجام می‌گیرد و گرایشی به تکرار در آن نیست؟ (ریو، ۱۳۷۹، ص ۲۳). پاسخ این است که انگیزش در شروع رفتار، تناوب، پیوستگی، شدت، جهت و هدف رفتار نقش دارد. همین امر، آن را در فهرست موضوعات مهم این شاخه از دانش قرار داده است و زمینه پژوهش‌های بسیاری را فراهم کرده است (بشیری، ۱۳۹۳).

بر اساس مبانی نظری مختلف، برای انگیزش تعاریف متفاوت بسیاری مطرح شده و اتفاق نظر در این زمینه وجود ندارد. روان‌شناسان، انگیزش را فرایندهایی می‌دانند که در برانگیختن، جهت‌دادن و پایایی رفتار نقش‌آفرین است (پارسا، ۱۳۷۵، ص ۲). آلپورت، انگیزه را وضعیت درونی ارگانیسم تلقی می‌کند که رفتار و تفکر، ناشی از آن است (خدایپناهی، ۱۳۸۷، ص ۱۶). ریبر، انگیزش را به‌عنوان فرایند مداخله یا حالتی درونی در فرد تعریف می‌کند که او را به سوی عمل سوق می‌دهد (ریبر، ۱۹۸۵، ص ۴۵۴). انگیزش مجموعه شرایطی است که به رفتار نیرو و به آن، جهت می‌بخشد (اتکینسون، ۱۳۸۵، ص ۳۶۱). ریو می‌گوید: «بررسی انگیزش به فرایندهایی مربوط می‌شود که به رفتار انرژی و جهت می‌دهند» (ریو، ۱۳۷۹، ص ۷). با توجه به تعاریفی که از انگیزش ارائه شد، می‌توان به این نتیجه رسید که فعال‌سازی، تداوم‌بخشی، انرژی‌بخشی و جهت‌دهی رفتار، چهار ویژگی انگیزش و هسته هرگونه تعریف از آن محسوب می‌شود (شجاعی، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

انگیزش از دیدگاه اسلام، بر اصول و مبانی خاصی مبتنی است. نظریه‌های روان‌شناسی، غالباً بر مبنای مشاهده و تجربه حسی قرار دارد. براین اساس، علم را منحصر در آنچه قابل مشاهده و تجربه حسی باشد، می‌دانند؛ و مسائلی را که در بوته آزمایش و تجربه حسی قرار نمی‌گیرند، علمی نمی‌دانند. در چنین رویکردی، گستره شناخت انسان و نیازهای او، منحصر در مواردی می‌شود که قابل مشاهده و تجربه باشد. لذا انگیزه و الگوی انگیزشی، که در

روان‌شناسی مطرح می‌شود، مبادی رفتار، حالات و ملکات نفسانی، را که قابل آزمایش، تجربه حسی و اندازه‌گیری نیستند، از موضوع روان‌شناسی خارج می‌کند. براین اساس، شناخت روان‌شناسی موجود از انسان کامل و جامع نیست، و نمی‌توان به‌عنوان یک اصل قطعی چیزی را از روان‌شناسی دریافت که انگیزه‌های اصلی، استعدادها و مایه‌های فطری انسان را بیان کند. از این رو، تا از انسان، ابعاد وجودی، نیازها و گرایش‌های او شناخت صحیحی وجود نداشته باشد، تبیین انگیزش به‌طور صحیح و کامل صورت نخواهد پذیرفت (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۲۸). هرچند در نظریه‌های روان‌شناسی، به گرایش‌های انسان اشاره شده است، اما در هیچ یک از آنها، انگیزه‌های ذاتی و امور غریزی نفس، به‌صورت دقیق بررسی و نظریه کاملی درباره آن بیان نشده است. به بیان دیگر، نیازهای بنیادی نفس مورد غفلت واقع شده است (همان، ص ۳۰).

با توجه به دوساحتی بودن انسان و عدم لحاظ بعد مجرد انسان، در نظریه‌های روان‌شناسی ضرورت دارد الگوهایی مطرح شود که به این بُعد اصیل نیز توجه کند. از این رو، الگویی جامع برای انگیزش که شامل شناخت نیازها و انگیزه‌های اصلی انسان و استعدادها و مایه‌های فطریش باشد، و انگیزش زیستی و فیزیولوژیک او را لحاظ کند، امری ضروری به نظر می‌رسد. به علاوه، با توجه به اینکه چنین کاری قبلاً انجام نگرفته است و مبانی مورد نیاز این بحث، همراه با دیدگاه‌های روان‌شناسانه آیت‌الله مصباح‌یزدی، که در آثار ایشان با تفصیل بیشتری مورد بحث واقع شده، الگویی جامع را بر مبنای آرای ایشان فراهم می‌آورد، پرداختن به این پژوهش ضرورت می‌یابد.

برای دستیابی به اهداف پژوهش، این دست سؤال‌ها قابل بررسی است:

- مبانی نظری انگیزش، از دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی چیست؟

- مؤلفه‌های الگوی انگیزش، از دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی چیست؟

- الگوی انگیزشی انسان، بر اساس اندیشه‌های آیت‌الله مصباح‌یزدی چیست؟

### روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. ابتدا با بررسی آثار آیت‌الله مصباح‌یزدی، نظراتی که به موضوع دلالت می‌کند گردآوری شد. سپس، با توصیف و تحلیل آنها، مبانی نظری و مؤلفه‌های انگیزشی به دست آمد. در نهایت، با توجه به مؤلفه‌های انگیزش، دیدگاهی را که توسط ایشان در مورد انگیزش ارائه شده، بسط و گسترش داده و در قالبی روان‌شناختی تدوین شد.

### مبانی نظری عام انگیزش از نقطه نظر آیت‌الله مصباح‌یزدی

در همه رشته‌های علوم انسانی، انسان به‌عنوان یکی از موضوعات تحقیق، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. آنچه که بین همه رشته‌های علوم انسانی مشترک و محور بحث است، انسان و ابعاد وجودی اوست (شجاعی، ۱۳۸۴، ص ۳۳).

تبیین دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی در مورد انگیزش، مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و تبیین ماهیت رفتارهای اوست. لذا پیش از اینکه انگیزش و منابع رفتاری انسان از دیدگاه ایشان مطرح شود، لازم است که انسان و ماهیت او را شناخت تا کیفیت پیدایش رفتارهای او درک شود. بنابراین، مناسب است پیش از هر بحث دیگری، به بحث در مورد انسان و ماهیت او پرداخت (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۳۲).

مفروض‌های اساسی درباره ماهیت انسان از دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی عبارتند از:

۱. انسان؛ موجودی مرکب از دو جوهر نفس و بدن (دوساحتی)

در نظام معرفتی اسلام، انسان از دو جوهر نفس و بدن تشکیل شده است:

الف. بدن یا جسم، که اجزای آن را گوشت، پوست، استخوان، رگ و پی و اعضا و جوارح تشکیل می‌دهند، با توجه به بُعد جسمانی انسان در برخی آیات، آفرینش نوع انسان از خاک دانسته شده است.

ب. نفس که آن را روح، جان، عقل و دل نیز می‌نامند و آن جوهری مجرد (غیرمادی) از عالم ملکوت است که اصل وجود و همه هویت انسان است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۵، ص ۳۹)؛ از نظر اسلام، حقیقت آدمی نفس است. بدن، مرکب و وسیله‌ای است برای نفس تا با استفاده از آن، به اهداف و خواسته‌های خود برسد. بنابراین، روح ارزشمندتر از جسم است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲).

قرآن، انسان را مرکب از نفس و بدن، می‌داند. روشن‌ترین آیات در این زمینه، آیات خلقت نخستین انسان است که در آنها، تعبیر نفخ روح به کار رفته است: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۲۹)؛ پس چون او را به هنجار و موزون کردم و در او از روح خود دمیدم، بر او سجده برید. از این آیه به دست می‌آید که حقیقت نفس، چیزی غیر از بدن است و تا آن نباشد، انسان به وجود نمی‌آید (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۳، ص ۴۴۷).

برای نفس، سه ویژگی عمده در آثار آیت‌الله مصباح‌یزدی به دست می‌آید:

- اصل درک و شعور: یکی از ویژگی‌های نفس درک است. ماده هر چه باشد و در هر مرحله که باشد، خودبه‌خود درک ندارد، مگر پس از اینکه روح به آن تعلق بگیرد. این امر ناشی از همان خاصیت غیرمادی و مجرد نفس می‌باشد.

- تمایلات و رغبت‌ها: اینکه انسان از چیزی خوشش می‌آید، یا از چیزی متنفر می‌شود، حالتی است که با درک توأم است. گرایش‌هایی که در درون انسان وجود دارد، از ویژگی نفس است. چیزی که نفس ندارد، نمی‌تواند میل، رغبت، عشق و علاقه و تنفر داشته باشد.

- قدرت تصمیم‌گیری و اراده: موجود مادی، قدرت تصمیم‌گیری و اراده ندارد. تصمیم‌گیری، خودداری، ایشار و بسیاری از مفاهیم متعالی دیگر، که در ارزش‌های انسانی مطرح می‌شود، مواردی است که ناشی از قدرت اراده و انتخاب و اختیار است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۵، ص ۷۳).

## ۲. هدفمند بودن آفرینش انسان

در جهان بینی الهی، آفرینش جهان و انسان دارای هدف است و با تعبیرات گوناگون، هدف زندگی بیان شده است. یکی از صریح‌ترین آیات در این زمینه، آیه ۵۶ سوره ذاریات است. در این آیه، هدف از آفرینش انسان، عبادت و بندگی خدا معرفی شده است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۸). با توجه به هدف آفرینش، انسان آفریده شده که مسیر تکامل را با اراده آزاد و انتخاب آگاهانه بپیماید؛ و به مقام قرب الهی، که توأم با سعادت جاودانی است، برسد. همچنین، با توجه به هدف آفرینش انسان، روشن می‌شود که زندگی وی در دنیا، دوران محدود و مقدماتی برای به فعلیت رساندن استعدادهایی است که نتیجه ثابت و ابدی آن، در عالم آخرت، ظاهر می‌گردد (مصباح‌یزدی، ۱۳۶۱، ص ۴۵).

## ۳. جاودانگی انسان

بر اساس آموزه‌های دینی، گستره زندگی به اینجا و اکنون، یعنی دنیا خلاصه و محدود نمی‌شود، بلکه زندگی انسان به دو بخش: زندگی فانی و دنیوی، و زندگی جاوید و اخروی تقسیم می‌شود. دنیا، مکان کار و عمل است، اما آخرت محلی است که انسان در آن نتیجه اعمالش را می‌یابد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴، ب، ص ۴۲۳). در اینجا نیز زندگی دنیا، دوران محدود و مقدمه فعلیت استعدادهایی است که نتیجه آن، در آخرت ظاهر می‌گردد.

## ۴. اختیار ذاتی و قدرت انتخاب‌گری

انسان در واکنش به عوامل محیطی، با موجودات دیگر، متفاوت است. این امر، به سبب وجود نیرو و توانایی ویژه‌ای است که در نهاد آدمی قرار داده شده است و از آن به «آزادی» و «اختیار» تعبیر می‌شود. نیروی اختیار، انسان را نه تنها از جبر بیرونی، که از غرایز و تمایلات حیوانی درونی نیز رها می‌سازد. بخش عمده رفتارهای انسان، از سر آزادی و اختیار است. مراجعه به متون دینی و دقت در مضمون آیات و روایات، به روشنی اختیار آدمی را تأیید می‌کند. تجربه فردی نیز نشان می‌دهد که وقتی انسان، بر سر دو راهی قرار می‌گیرد، بدون اینکه جبر و فشاری در کار باشد، با اختیار خود، یکی از دو راه را بر می‌گزیند (همان).

## ۵. مسئول بودن انسان

انسان به دلیل اینکه موجودی مختار است، مسئول نیز هست. او مسئول ساختن آینده و سرنوشت خویش است. انسان باید با پرورش و شکوفا ساختن استعدادها و توانایی‌های بالقوه خود، در مسیر تربیت خویش، مراتب کمال انسانی را طی کند و سرنوشت خود را به صورت مثبت رقم زند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳).

## ۶. خلافت الهی انسان

خلافت الهی انسان، تبلور کامل روح الهی در این موجود ویژه جهان آفرینش است. خلافت، چنان مهم و با ارزش است که از میان موجودات، فقط انسان شایستگی آن را دارد و این موقعیت معنوی، او را که شایسته این همه مواهب است، روشن می‌سازد (مصباح، ۱۳۸۵، ص ۵۲).

#### ۷. کرامت انسان

کرامت انسان، به جایگاه و مقام ویژه او در برابر سایر موجودات اشاره دارد. در انسان‌شناسی اسلامی، انسان دارای ساختار و ساحت وجودی ویژه‌ای است که او را از رده‌های حیوانات برتر آورده، به گونه‌ای که دیگر حیوان نیست. بی‌گمان انسان شاهکار آفرینش است. از این رو، آفریدگار دانا و توانا به هنگام آفریدن او خویشتن را ستوده و تحسین کرده است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۳، ص ۳۶۷).

#### ۸. گرایش به سوی کمال

یکی از مفروض‌های اساسی درباره انسان این است که هر فرد استعدادی بالقوه برای رشد و تکامل دارد. هر انسان به طور غریزی و فطری، به دنبال این است که روز به روز کامل‌تر شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۶۱، ص ۵۰).

#### مبانی نظری خاص انگیزش بر اساس نقطه نظرات آیت‌الله مصباح‌یزدی

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت: رویکرد دینی انگیزش، مبتنی بر پذیرش شماری اصول و پیش‌فرض‌هاست. این اصول، که از جهان‌بینی اسلامی یا همان مبانی عام نظری به دست می‌آید، عبارتند از:

**الف.** با توجه به ویژگی‌های نفس، یعنی شناخت، گرایش و اراده، می‌توان گفت: همه نیازها، انگیزه‌ها و رفتارهای انسان به نفس مربوط می‌شود؛ یعنی انرژی، جهت و قدرت رفتار و عمل از ابعاد نفس می‌باشد. بر این اساس، طرح پیشنهادی استاد مصباح‌یزدی پویایی به همراه گرایش‌های نفس، انرژی رفتار را ایجاد می‌کند؛ شناخت و آگاهی جهت آن را مشخص می‌کند و با داشتن جنبه قدرت و اراده، رفتار و عمل صادر می‌شود. اگر انسان را به ماشینی تشبیه کنیم، گرایش نفس، در واقع عامل اصلی حرکت است؛ یعنی به‌منزله موتور است که انرژی لازم را برای حرکت تولید می‌کند؛ شناخت و آگاهی، چراغی است که راه را روشن و مسیر حرکت را مشخص می‌کند و منجر به رفتار در انسان می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۹).

**ب.** با توجه به اینکه انسان دو ساحتی (بدن و نفس) می‌باشد، آن ساحتی که در انسان اصالت دارد، همان روح که قوام انسانیت انسان بسته به آن و بدن تنها ابزاری برای تکامل آن می‌باشد، می‌توان گفت: هر ساحت انسان نیازهای خاص خود را دارد؛ یعنی انسان نیازها و گرایش‌های دارد که مربوط به بُعد روحی و نیازها و گرایش‌هایی هم دارد که به بُعد جسمی مربوط می‌شود (همان، ص ۴۳۰). بیان این نکته ضروری است که برخی از گرایش‌ها و انگیزه‌های نفس، به طور طبیعی و به وسیله فعل و انفعالات بدن، یا ارتباط با محیط فعال می‌گردند. برخی از گرایش‌ها و انگیزه‌ها نیز به طور آگاهانه و ارادی فعال می‌گردند. علت اینکه انگیزش دسته اول منوط به فعالیت آگاهانه خود انسان قرار داده نشده، این است که حیات فردی و اجتماعی انسان، مستقیماً بستگی به فعالیت این گرایش‌ها دارد. اگر کار آنها منوط به اراده و انتخاب خود انسان بود، بر اثر غفلت زمینه‌ای برای سیر تکامل باقی نمی‌ماند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۲).

ج. هدفمند بودن آفرینش انسان و نوع تلقی انسان از زندگی و هستی، به زندگی انسان جهت می‌دهد. این امر موجب می‌شود انسان نوع خاصی از رفتار فردی و اجتماعی را برگزیند. اگر جهان بینی بر پایه بینشی صحیح استوار باشد، رفتارهای انسان شکل و جهتی درست به خود می‌گیرد. اما اگر انسان تلقی درستی از عالم هستی نداشته باشد، بر اعمال و رفتارش تأثیری نامطلوب خواهد گذاشت که حداقل اثر آن، سستی در انجام وظایف و تکالیف است. از این رو، هدفمندی نقش انگیزشی داشته و به رفتار فرد جهت و انرژی می‌دهد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۸).

د. با توجه به دو ساحتی بودن انسان و جاودانگی حیات انسان و اینکه با مرگ نابود نمی‌شود؛ یعنی انسان بعدی دارد که با از بین رفتن بدن از بین نمی‌رود؛ ادامه حیات می‌دهد، قوام انسانی و اصالت به آن بوده و گرایش‌ها و نیازهای انسانی از آن صادر می‌شود، می‌توان گفت: گستره نیازهای انسان از نفس شروع می‌شود و در دامنه وسیعی از نیازها ادامه پیدا می‌کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴، ب، ص ۴۳).

ه. یکی دیگر از مبانی عامی، گرایش به سوی کمال است. بر اساس آن می‌توان گفت: گرایش‌ها و نیازهای انسانی که از نفس شروع می‌شود، به سوی کمال گرایش دارد. انسان، گرایش به سوی کمال و شکوفایی توانایی‌ها و استعدادها بالقوه خود دارد. گرایش‌های اصیل انسانی، که از نفس صادر می‌شود همگی به سوی نقطه‌ای که همان کمال گرایش‌ها است، سوق دارند و ارضای کامل آنها به جز رسیدن به نقطه مطلوب میسر نیست (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹، ص ۲۷).

و. خلافت الهی انسان، اینکه از میان موجودات، فقط انسان شایستگی آن را دارد، و کرامت او که فقط انسان جایگاه و مقام ویژه‌ای در بین سایر مخلوقات دارد، نشان از امتیاز نیازهای انسان با سایر موجودات و مخلوقات دارد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۳، ص ۳۷۳).

ز. بر اساس مختار بودن انسان، بخش عمده رفتارهای او از سر آزادی و اختیار است. نیروی اختیار، انسان را نه تنها از جبر بیرونی، که از غرایز و تمایلات حیوانی درونی نیز رها می‌سازد. انسان، به دلیل اینکه موجودی مختار است؛ مسئول نیز هست، مسئول ساختن آینده و سرنوشت خویش. او با شکوفا ساختن استعدادها و توانایی‌های بالقوه‌اش، به نقطه مطلوب گرایش‌های نفس که همان سعادت پایدار است، خواهد رسید (همان، ص ۳۷۸).

ح. برخورداری انسان از قوه تعقل، توانایی تشخیص، امتیاز و انتخاب را در او ایجاد می‌کند. وجود این ویژگی در تشخیص، اولویت‌بندی و فعال‌سازی گرایش‌ها مؤثر است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴، الف، ص ۶۳).

در نتیجه، مبانی خاص انگیزش که مبتنی بر دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی می‌باشد، عبارتند از:

- گرایش بعدی از ابعاد نفس بوده، انرژی رفتار را تولید می‌کند؛
- گرایش‌های انسان، به نیازهای مادی و معنوی تقسیم می‌شود؛
- برخی از گرایش‌ها، به طور طبیعی ارضاء می‌شوند و برخی آگاهانه و ارادی؛
- گرایش‌های اصیل متعلق به نفس می‌باشد؛

- گرایش‌های انسان، متفاوت از گرایش‌های سایر مخلوقات است؛
- گرایش‌ها هدفمند بوده و دارای نقطه مطلوب می‌باشند؛
- شناخت، بُعد دیگری از نفس می‌باشد که جهت رفتار را مشخص می‌کند؛
- شناخت، متأثر از عوامل محیطی است؛
- شناخت در تشخیص و اولویت‌بندی و فعال‌سازی گرایش‌ها مؤثر هستند؛
- قدرت و اراده، جنبه دیگر نفس می‌باشد که امکان صدور رفتار را ایجاد می‌کند؛
- بخش عمده‌ای از رفتار انسان ارادی است.

### مؤلفه‌های انگیزش

با بررسی آثار، دیدگاه و طرح پیشنهادی استاد مصباح‌یزدی در مورد ساختار نفس و انگیزه‌های اصلی و شاخه‌های متعدد آن، می‌توان عناصر و مؤلفه‌های انگیزش از دیدگاه ایشان را چنین بیان کرد:

#### ۱. نفس، ابعاد و پویایی آن

برای تبیین رفتار انسان و اینکه چه عواملی موجب رفتار انسان متعدد و متنوع در افراد می‌شود، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: برخی رویکردهای روان‌شناسی، معتقد است که رفتارهای انسان بر اساس امیال و گرایش‌های غریزی و فطری است. برخی رویکردها نیز منابع درونی رفتار را رد کرده، و رفتارهای انسانی را متأثر از عوامل محیطی می‌دانند (ریو، ۱۳۷۹، ص ۴۳). روان‌شناسانی که منابع درونی رفتار را می‌پذیرند، درباره خصوصیات روان، ویژگی‌های ذاتی نفس، جنبه‌های غریزی، بحث‌های زیادی کرده و برای آن، گرایش‌های خاصی اثبات کردند. ولی درباره گرایش‌های اصلی نفس، نظر قاطعی ابراز نشده است. بر اساس دیدگاه *آیت‌الله مصباح‌یزدی* همه نیازها، انگیزه‌ها و رفتارهای انسان به نفس مربوط می‌شود. از این رو، برای اینکه به الگویی از انگیزش بر اساس دیدگاه ایشان دست یابیم، ابتدا لازم است ساختمان روان بررسی و مشخص شود که روان چه ابعادی دارد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۳۰).

#### ۱-۱. نفس، هرمی سه بُعدی

*آیت‌الله مصباح‌یزدی*، نفس را به هرمی تشبیه می‌کنند که سه سطح جانبی دارد. این سطوح و ابعاد، عناوینی برای سه بُعد نفس یا سه جنبه از عملکرد نفس به‌شمار می‌روند.

علت تشبیه به هرم، بدین لحاظ است که نقطه رأس هرم، نمایانگر وحدت مقام نفس باشد؛ یعنی همه سطوح و ابعاد متعدد، در آن نقطه به وحدت می‌رسند. لذا رأس هرم، این معنا را تداعی می‌کند که در آنجا بیش از یک حقیقت وجود ندارد که همان نفس است. هر چه به قاعده هرم نزدیک تر شویم، این اجمال به تفصیل و واگرایی بیشتری گرایش پیدا می‌کند؛ به این معنا که حقایقی که ویژگی‌های یکی از این سه بعد را بیش از ابعاد دیگر دارند، به صورت متمایزتری جلوه می‌کند و عناوین مختلفی به خود می‌گیرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۳).



### ۲-۱. ابعاد نفس

ابعاد سه‌گانه، که استاد مصباح‌یزدی در الگوی هرمی نفس بیان می‌کند، عبارتند از:  
- شناخت (آگاهی): این بُعد نفس، همه جنبه‌های ادراکی انسان مانند علم، آگاهی، شناخت و بینش را دربر می‌گیرد.  
- گرایش (میل): امیال، انگیزه‌ها، کشش‌ها و جاذبه‌های که به موضوعات متعددی تعلق می‌گیرند.  
- قدرت (اراده): آنچه مبدأ فعالیت، کنش و عمل انسان می‌شود، قدرت و اراده‌ای که از نفس برمی‌خیزد، سرچشمه رفتار و خاستگاه فعالیت‌ها و تحرک انسان می‌باشد، البته منظور از رفتار و عمل، تنها فعالیت‌های بیرونی نیست، بلکه رفتارهای درونی را نیز دربر می‌گیرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۳۳).

### ۳-۱. پویایی نفس

بررسی ابعاد نفس، بیانگر این است که در حقیقت محتوای هرم نفس را میل، جوشش، حرکت و پویایی تشکیل می‌دهد. نفس به طور دائمی می‌خواهد حرکت کند و سیری داشته باشد. از آنجایی که این حرکت خارج از ذات نفس نیست، از یک منظر می‌توان گفت: خود نفس عین حرکت و پویایی است. نفس یک نظام انرژی است (همان، ص ۳۴). انرژی نفس در جهت رفع نقص و تحصیل کمال است و انگیزه رفتار، رفع رنج یا به دست آوردن لذت است (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵).

استاد مصباح‌یزدی در این زمینه، که نفس انسان را پویایی و حرکت تشکیل می‌دهد، به آیه ۶ سوره انشقاق اشاره می‌کند که خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»؛ ای انسان، محققاً تو به سوی پروردگارت سیر و تلاش می‌کنی، پس او را ملاقات خواهی کرد. از این آیه قرآن استفاده می‌شود که حقیقت وجود نفس و روان انسان، کدح و تلاش و پویایی است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۳۵).

از آنچه گذشت می‌توان گفت: تمام موضوعات و فعالیت‌هایی که به انسان نسبت داده می‌شود، اعم از احساسات، عواطف، هیجانات، رفتار، فعالیت‌ها، شناخت و آگاهی از نفس ناشی می‌شود که در مقام تفصیل، دارای سه بُعد شناخت، گرایش و قدرت است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۶).

پس از روشن شدن ساختار نفس و ارتباط ابعاد سه‌گانه نفس، به طبقه‌بندی انگیزه‌های نفس می‌پردازیم.  
آیت‌الله مصباح‌یزدی معتقدند: نفس از جوشش، حرکت و میل تشکیل می‌شود. نفس دائماً می‌خواهد حرکت کند و سیری داشته باشد. چون این حرکت خارج از ذات نفس نیست، می‌توان گفت: خود نفس عین حرکت و پویایی است. هر کسی در درون خود، میلی به سوی حرکت و پیشرفت می‌یابد. هیچ کس از وضع ساکن و آرامی که دارد، خرسند نیست و آثار و علائم ظاهری این میل روانی و نفسانی را می‌توان در دوران مختلف زندگی انسان، از سن کودکی تا جوانی و کمال به صور مختلف و با مظاهر گوناگون مشاهده کرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۳۴).

## ۲. گرایش‌های بنیادی نفس

به نظر آیت‌الله مصباح‌یزدی، سه گرایش اصلی از نفس سرچشمه می‌گیرد که تعیین‌کننده اصلی رفتار می‌باشد؛ و سایر گرایش‌ها و تمایلات انسانی از آنها منشعب می‌شوند. هر یک از آنها به شکلی به این ریشه‌ها بازمی‌گردند و به آنها بستگی داشته، از آنها تغذیه می‌شوند. به عبارت دیگر، منشأ همه رفتارها و فعالیت‌های گوناگون انسان، سه گرایش اصلی بقا، کمال و لذت‌جویی (سعادت‌طلبی) می‌باشد. البته ریشه انگیزه‌های اصلی نیز حب ذات یا خوددوستی می‌باشد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۵).

### ۱-۲. انگیزه‌های اصلی نفس

بنابراین، سه انگیزه اصلی نفس عبارتند از:

- انگیزه بقا: یکی از انگیزه‌های اصلی نفس، انگیزه بقا است، این انگیزه بنیادی‌ترین و اصلی‌ترین انگیزه انسان است و منشأ یک سلسله رفتارهای انسان می‌باشد. اینکه انسان می‌خواهد باقی باشد و حیات دائمی داشته باشد. از این رو، هر کاری را که با این گرایش سازگاری داشته باشد، انجام می‌دهد.
- انگیزه کمال: انگیزه کمال یکی دیگر از انگیزه‌های اصلی نفس می‌باشد؛ یعنی صرف‌نظر از اینکه انسان می‌خواهد باقی بماند و حیات دائمی داشته باشد، می‌خواهد روز به روز کامل‌تر شود و مسیر حرکتش مسیر تکاملی باشد. در واقع، این گرایش به کمال، انسان را برای رفتار و تلاش‌های گوناگون تحریک می‌کند.
- انگیزه لذت‌جویی (سعادت‌طلبی): سومین انگیزه اصلی که از نفس سرچشمه می‌گیرد، انگیزه لذت‌جویی و سعادت‌طلبی است؛ یعنی انسان علاوه بر اینکه می‌خواهد حیات دائمی تکاملی داشته باشد، طالب لذت و خوشی هم هست. تلاش و فعالیت‌های متعدد انسان، برای دست یافتن بر لذایذ بیشتر و پایدارتر و فرار از دردها و آلام و دست‌کم کاستن از آنها است.

این سه انگیزه، انگیزه‌های اصلی نفس و منشأ رفتارهای انسان را تشکیل می‌دهد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۴۱). آیت‌الله مصباح‌یزدی، مبتنی بر نگاه توحیدی و ساختار نفس، در تبیین بیشتر طرح پیشنهادی خود، به ریشه انگیزه‌های اصلی نفس و نیز نقطه‌نهایی و مطلوب آنها هم اشاره می‌کنند که در اینجا به آنها می‌پردازیم.

### ۲-۲. ریشه انگیزه‌ها

بنابر دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی، ریشه اصلی انگیزه‌های انسان، حب ذات است. انگیزه‌های دیگر از فروغ و شاخه‌های این گرایش به‌شمار می‌روند و تحت تأثیر عوامل مختلف دیگری، منشأ رفتار و فعالیت‌های گوناگون انسان می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۵).

در ادامه، استاد تأکید می‌کنند که محبت انسان در ذات نفس، منحصر به خوددوستی یا حب نفس نیست، بلکه عشق به خدا و پرستش او نیز جزو گرایش‌های فطری انسان است که ریشه در ذات نفس دارد (مصباح، ۱۳۸۴ الف، ص ۳۳). این میل فطری، کشش و گرایش به پیوستن وجودی و ادراکی به خدا می‌باشد. هر کس در درون خود می‌یابد که

به چیزی یا کسی علاقه دارد و گویی همواره روان او را مانند یک مغناطیس نیرومند به سوی خود می‌کشاند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹، ص ۳۳).

بیان شد که در حقیقت، محتوای هرم نفس را میل، جوشش، حرکت و پویایی تشکیل می‌دهد. وقتی این پویایی و حرکت نفس را به سوی هدف آن بررسی می‌کنیم، گرایش و میل به سوی خدا دیده خواهد شد؛ یعنی در واقع هدف که خدا هست انسان را به طرف خودش سیر می‌دهد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۳۵).

با توجه به ریشه انگیزه‌ها، در ادامه می‌توان هدف اصلی انگیزه‌های انسان، یا همان نقطه مطلوب گرایش‌های انسان را نیز مشخص کرد.

#### ۳-۲. نقطه مطلوب انگیزه‌ها

در تبیین ساختار هر می‌نفس مطرح شد که بر اساس دیدگاه استاد مصباح‌یزدی نفس از سه بُعد شناخت، گرایش و قدرت تشکیل می‌شود. محتوای هرم نفس، عین پویایی و حرکت هست. این پویایی و حرکت به سوی هدف خاصی است. ایشان معتقدند: هدف نهایی یا همان نقطه مطلوب انگیزه‌های اصلی با جلوه‌های متعدد رفتاری، در نهایت متحد می‌شوند و در حقیقت، یک مطلوب است که هدف نهایی همه انگیزه‌ها می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶). به عبارت دیگر، انگیزه‌های اصلی انسان، که از حب ذات سرچشمه می‌گیرند، همگی او را به سوی بی‌نهایت سوق می‌دهند، و ارضای کامل آنها جز با رسیدن به مقام قرب الهی و پیوستن به جهان ابدی میسر نیست (همان، ص ۴۵). پس انگیزه رفتاری انسان، که حیات دائمی تکاملی توأم با لذت و خوشی است، وقتی به مقام قرب الهی رسید، ارضا می‌شود و حیات ابدی خواهد داشت. این حیات تکاملی، همراه با لذت کامل و پایدار، بدون درد و رنج خواهد بود.

#### ۳. شناخت

گرایش‌های انسان، کشش و جاذبه‌های هستند که به موضوعات مختلف تعلق می‌گیرند. اما این کشش و جاذبه به صورت کور و تاریک نبوده، بلکه همراه با شناخت و آگاهی ضعیف می‌باشند. هرچند این آگاهی و شناخت، به صورت اجمالی یا تفصیلی، فطری و یا اکتسابی باشند. به هر حال، شناخت و آگاهی به گرایش‌ها و امیال اصلی انسان جهت داده، موجب برانگیخته شدن، رشد و شکوفایی آنها می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۳۷). به عبارت دیگر، شناخت و آگاهی جهت رفتار را مشخص می‌کند. شناخت مانند چراغی است که راه را روشن و مسیر حرکت را مشخص می‌کند و منجر به انتخاب رفتار خاصی در انسان می‌شود.

#### ۴. جهان‌بینی

بینش‌های کلی و سیستم‌های فکری زیربنایی، که نقش عمده در تعیین شکل و جهت و معنی‌دار کردن و ارزش بخشیدن به تلاش‌های زندگی، یا تهی کردن آنها از معنی و ارزش بازی می‌کند، جهان‌بینی نامیده می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۶۱، ص ۷). از این رو، می‌توان گفت: گرایش‌ها تحت تأثیر جهان‌بینی، منشأ رفتارهای متفاوتی

می‌شود؛ یعنی جهان‌بینی در نحوه جهت‌گیری گرایش تأثیر دارد. بر اساس یک جهان‌بینی، گرایشی موجب رفتارهای خاصی در انسان می‌شود و بر اساس جهان‌بینی دیگر، همان گرایش موجب رفتارهای دیگری در انسان می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۴۴).

در گستره دین، اصول انگیزش، متأثر از جهان‌بینی توحیدی و آموزه‌های مذهبی بوده، هدف تمامی رفتارهای انسان، رشد و تکامل معنوی و مصالح و منافع اخروی است. انسان مؤمن، لذت‌ها و مصالح معنوی را بر منافع و لذت‌های مادی ترجیح می‌دهد (شجاعی، ۱۳۸۴، ص ۹۴).

#### ۵. عوامل محیطی

منظور از «عوامل محیطی»، آن دسته از اموری هستند که برخاسته از نیازهای فیزیولوژیکی یا روانی انسان نیست، بلکه خارج از ارگانیزم انسان مؤثر بر رفتار انگیزشی او می‌باشند. این عوامل، شامل تقویت‌کننده‌های مثبت، تقویت‌کننده‌های منفی و الگوها می‌باشند (بشیری، ۱۳۹۳). از دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی، عوامل محیطی بر شناخت و آگاهی فرد تأثیر می‌گذارد. شناخت به‌عنوان چراغ، جهت رفتار را برای شکوفا کردن گرایش متناسب با آن رفتار را مشخص می‌کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۹).

#### ۶. اراده

«اراده» عبارت است از: آنچه مبدأ فعالیت، کنش و عمل انسان می‌شود. قدرت و اراده‌ای که از نفس برمی‌خیزد، سرچشمه رفتار و خاستگاه فعالیت‌ها و تحرک انسان می‌باشد. البته منظور از «رفتار» و «عمل» تنها فعالیت‌های بیرونی نیست، بلکه رفتارهای درونی را نیز دربر می‌گیرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۳۳). بعضی از انگیزه‌ها، ارتباط روشنی با فعل و انفعالات شیمیایی و فیزیولوژیکی بدن دارند. مانند میل خوردن و آشامیدن، که از آغاز ولادت تا هنگام مرگ در انسان وجود دارد و در حال نیاز بدن به مواد غذایی و آب، برانگیخته می‌شود. همچنین، مانند میل جنسی که در اثر ترشح هورمون‌های خاصی در سنین بلوغ ظاهر می‌گردد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۰).

#### بحث و نتیجه‌گیری

بیان شد که انگیزش به فرایندهایی مربوط می‌شود که به رفتار انرژی و جهت می‌دهند (ریو، ۱۳۷۹، ص ۷). آیت‌الله مصباح‌یزدی معتقدند: انرژی رفتار، از پویایی نفس تأمین می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: نفس عین حرکت و پویایی است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۳۴). انسان ابتدا نوعی کمبود را در خود می‌یابد و از آن، احساس رنج و ناراحتی می‌کند، یا لذت شناخته شده‌ای را در خود نمی‌یابد و به جست‌وجوی آن می‌پردازد. در نتیجه، احساس رنج یا انتظار لذت، او را وادار به کوشش و تلاش می‌کند تا با انجام کاری متناسب، رنج خود را برطرف و لذت منظور را تأمین کند و نیاز بدنی یا روحی خود را برطرف سازد (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵).

جهت رفتار نیز توسط دو مؤلفه گرایش‌های نفس و شناخت مشخص می‌شود. گرایش‌های انسان، کشش و جاذبه‌هایی هستند که به موضوعات مختلف تعلق می‌گیرند. اما این کشش‌ها و جاذبه‌ها، به صورت کور و تاریک نبوده، بلکه همراه با شناخت و آگاهی ضعیف می‌باشند؛ یعنی موضوعاتی که متناسب با گرایش‌های نفس در خارج وجود دارند، رفتارهای انسان را به سمت خود سوق می‌دهند. البته شناخت و آگاهی به گرایش‌ها و امیال اصلی انسان، در جهت‌دهی و شکوفا کردن آنها مؤثر است. به عبارت دیگر، شناخت به گرایش‌های نفس جهت داده و موجب برانگیخته شدن، رشد و شکوفایی آنها می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۳۷).

هنگامی که رفتاری از انسان صادر شد و از طریق آن، لذتی حاصل و یا رنجی مرتفع گردید، نفس، توجه بیشتری به آن پیدا می‌کند. در مرتبه دوم، آن خواست به صورت شدیدتری ظاهر می‌شود. سرانجام، در اثر تکرار، نفس به آن انس می‌گیرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۶).

همان‌طور که در مؤلفه‌های انگیزش بیان شد، جهان‌بینی و عوامل محیطی، در شناخت و آگاهی تأثیر گذاشته و موجب صدور رفتارهای گوناگونی در انسان می‌شوند. همچنین، برانگیخته شدن برخی انگیزه‌ها، گاهی در اثر فعل و انفعالات درونی بدن صورت می‌گیرد. نیازهای فیزیولوژیکی، از این دست از نیازها و گرایش‌ها می‌باشند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴). در ادامه، به مقایسهٔ اجمالی بین الگوی ارائه شده، با الگوی انگیزشی با رویکرد روان‌تحلیل‌گری و انسان‌گرایی می‌پردازیم:

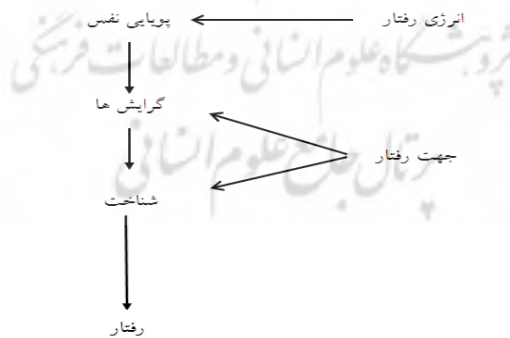
در نظریه روان‌تحلیل‌گری، انرژی روانی بی‌جهت و رها شده است. در نتیجه، به اضطراب و تنش می‌انجامد (شولتز، ۱۳۷۸، ص ۵۶)، ولی در الگوی ارائه شده، گرایش‌ها هدفمند و جهت‌دار هستند و برای رسیدن به هدف‌های متعالی برانگیخته می‌شوند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶). یکی از ویژگی‌های نظریهٔ روان‌تحلیل‌گری در انگیزش، اعتقاد به جبرگرایی است؛ یعنی انسان‌ها مانند سایر موجودات زنده، از قوانین طبیعی یکسان پیروی می‌کنند. در این نظریه، هیچ جایی برای مفاهیم اراده آزاد، انتخاب، مسئولیت شخصی، خودمختاری و خودانگیختگی وجود ندارد (فیست، ۱۳۸۶، ص ۷۸). اما در الگوی ارائه شده، بخش عمدهٔ رفتارهای انسان، ارادی است. انسان می‌تواند به صورت آگاهانه تصمیم بگیرد، و آینده و سرنوشت خود را رقم بزند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۲). از ویژگی‌های نظریه روان‌تحلیل‌گری، این است که حالت نیاز از بافت بدن ناشی می‌شود. به عبارت دیگر، منابع رفتاری به صورت مادی تبیین می‌کند (شولتز، ۱۳۷۸، ص ۵۶). در الگوی طراحی شده، هرچند بخشی از منابع رفتار مربوط به بدن بوده، و جنبهٔ فیزیولوژیکی دارد. ولی منابع درونی و روانی رفتار، اصالت داشته، بخش عمده‌ای از عوامل انگیزش انسان، از نیازهای روانی نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: ابتدا چند گرایش در نفس ایجاد می‌شوند که در واقع شاخه‌های اصلی ظهور فعالیت‌های انسان‌اند و می‌توان آنها را نیازهای اصلی تلقی کرد

(مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷، ص ۴۱). در نظام فروید، تنها یک هدف غایی و اساسی در زندگی وجود دارد و آن کاهش تنش است. بنابراین، همه رفتارهای انسان، با تمایل به کاهش برانگیختگی، که از طریق تنش‌های ناخوشایند جسمانی ایجاد شده، تنظیم می‌گردد (خدایپناهی، ۱۳۸۷، ص ۵۲). درحالی‌که در الگوی طراحی شده، گرایش‌های اصیل روانی هستند که به صورت فطری در انسان وجود دارند و کشش به سوی اهداف متعالی دارند که با توجه به جهان‌بینی اسلامی این گرایش‌ها و کشش‌ها نفس را به سوی مبدأ می‌کشند؛ یعنی برخلاف دیدگاه روان‌تحلیل‌گری که تضاد، تنش و اضطراب نتیجه نهایی کشش‌های روانی می‌باشد، ولی در طرح ارائه شده کشش‌ها به سوی مبدأ آرامش و سعادت می‌باشد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۳۷). روان‌تحلیل‌گری تأکید دارد که انسان‌ها، مانند سایر موجودات زنده، از قوانین طبیعی یکسانی پیروی می‌کنند (لان‌دین، ۱۳۸۶، ص ۹۹). همچنین، آنها انسان‌ها را از نظر زیست‌شناسی، جانداران جبری در نظر می‌گیرند و معتقدند: رفتارهای انسان به وسیله نیروهای قدرتمند کشنده‌ای اختصاصاً جنسی و پرخاشگری تعیین می‌گردد. به عبارت دیگر، در این رویکرد به ابعاد شناختی، ارادی و عقلانی انسان بی‌توجهی می‌شود. همچنین، در این نظریه به نیروهای زیستی در مقام شکل‌دهنده‌های رفتار، بیش از اندازه اهمیت داده می‌شود و بر عامل جنسی و پرخاشگری، به عنوان نیروهای اصلی انگیزش تأکید شده است (شجاعی، ۱۳۹۱، ص ۲۵). در مبانی الگوی طراحی شده، به جایگاه ویژه و ممتاز انسان و تفاوت اساسی که انسان دارد، اشاره شد. منابع رفتاری را همان گرایش‌های بنیادی و اصلی نفس اشاره کردیم که جهت نهایی آنها به سمت اهداف بلند بود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ ب، ص ۳۶).

با وجود اینکه نظریه‌پردازان انسان‌گرا، نگرش متفاوتی با رویکردهای مکاتب دیگر، نسبت به انسان دارند و معتقدند: انسان با حیوان متفاوت و دارای امکانات و ویژگی‌های مثبتی می‌باشد، اما در این جهت با رویکردهای قبلی مشترک هستند که انسان را پدیده‌ای مادی می‌دانند و همه ابعاد وجودی انسان را بر اساس قوانین مادی توجیه و تفسیر می‌کنند (شجاعی، ۱۳۸۴، ص ۳۸). اما در الگوی طراحی شده و مبانی نظری مربوط به آن، بیان شد که بر اساس آموزه‌های دینی، گستره زندگی انسان به دو بخش: زندگی فانی و دنیوی، و زندگی جاوید و اخروی تقسیم می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ ب، ص ۴۲۳). خلافت الهی انسان، تبلور کامل روح الهی در این موجود ویژه جهان آفرینش است که تنها انسان، شایستگی قرار گرفتن در آن جایگاه را دارد. همچنین، در انسان‌شناسی اسلامی، انسان دارای ساختار و ساحت وجودی ویژه‌ای است که او را از رده حیوانات برتر آورده است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۳، ص ۳۶۷). از این رو، با توجه به عدم شناخت جامع و نگاه ناقص به انسان، موجب شده است که تمام نیازهای انسانی مورد توجه قرار نگیرد. از جمله این نیازها، نیاز معنوی و متعالی انسان می‌باشد. در رویکرد انسان‌گرایی، انگیزش و چگونگی وقوع رفتار را بر

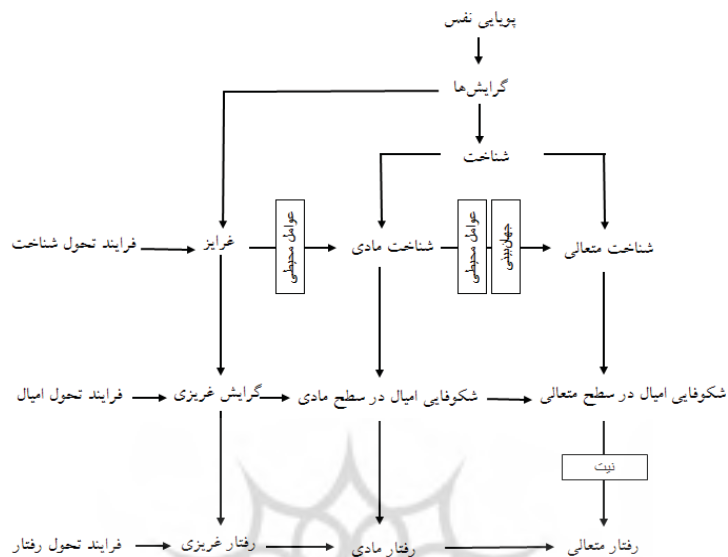
طبق نیازها توجیه می‌کنند. نیاز این رویکرد عبارت است از: نیروی زیست-شیمیایی در مغز، که توانایی‌های عقلانی و ادراکی را سازمان می‌دهد. ممکن است نیازها از فرایندهای درونی، مانند گرسنگی یا تشنگی یا از رویدادهای موجود در محیط ناشی شوند. نیازها، سطحی از تنش را به وجود می‌آورند که ارگانیزم سعی می‌کند با ارضای آنها، آن را کاهش دهد. نیازها، رفتار را نیرومند و هدایت می‌کنند. آنها رفتار را در مسیر مناسب برای ارضای نیازها فعال می‌کنند (شولتز، ۱۳۷۸، ص ۲۳۱). در الگوی طراحی شده، منابع درونی و روانی رفتار اصالت داشته و همه عوامل انگیزش انسان از نیازهای روانی نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: ابتدا چند گرایش در نفس ایجاد می‌شوند که در واقع شاخه‌های اصلی ظهور فعالیت‌های انسان‌اند و می‌توان آنها را نیازهای اصلی تلقی کرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۴۱). همان‌طور که بیان شد، در نظریه انسان‌گرایی انسان به دنبال تحقق و به فعلیت رساندن استعدادهای خود هست. با توجه به مبانی نظری انسان‌گرایی، هدف مطلوب و نهایی برای این استعدادها مشخص نشده که می‌توان به دلیل عدم شناخت کمال نهایی انسان باشد (شولتز، ۱۳۷۸، ص ۳۵۰). اما بر اساس دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی، هدف نهایی یا همان نقطه مطلوب انگیزه‌های اصلی، با جلوه‌های متعدد رفتاری، در نهایت متحد می‌شوند. در حقیقت، یک مطلوب است که هدف نهایی همه انگیزه‌ها می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶). به عبارت دیگر، انگیزه‌های اصلی انسان، که از حب ذات سرچشمه می‌گیرند، همگی او را به سوی بی‌نهایت سوق می‌دهند، و ارضای کامل آنها، جز با رسیدن به مقام قرب الهی و پیوستن به جهان ابدی میسر نیست (همان، ص ۴۵).

به اجمال، عوامل و الگوی انگیزشی آیت‌الله مصباح‌یزدی را می‌توان در چارچوب نمودار زیر ارائه کرد:



نمودار ۱. نمودار عوامل انگیزشی رفتار

با توجه به مطالب بیان شده و نمودار عوامل انگیزشی رفتار، می‌توان سطوح مختلف عوامل انگیزشی رفتار را به شکل نمودار زیر ارائه کرد:



نمودار ۲. نمودار سطوح مختلف عوامل انگیزشی رفتار

با توجه به مطالب بیان شده و تأثیر گرایش‌ها و شناخت در جهت‌یابی رفتار، به‌طور کلی می‌توان گفت: رفتار انسان در سه سطح مختلف ایجاد می‌شود. همه رفتارها، انرژی و جهت خود را از نفس، گرایش‌های آن و شناخت می‌گیرد. بخشی از رفتار، در سطح غریزی ایجاد می‌شود. در این سطح، رفتار متأثر از شناخت اجمالی و تأثیر عوامل محیطی، که در پاسخ به نیازها و کنش‌های فیزیولوژیکی می‌باشد، صادر می‌شود. در این سطح از رفتار، شناخت به معنای تشخیص و اراده به معنای انتخاب تأثیری در رفتار فرد ندارد. با رشد انسان، شناخت فرد نیز رشد پیدا می‌کند. اهداف و مطلوبیت‌های رفتاری متعددی، متناسب با شناخت برای او ایجاد می‌شود. هر یک از این اهداف، متناسب با یکی از انگیزه‌های بینادی نفس می‌باشد که در جهت ارضای آن نیاز موجب بروز رفتارهای متعددی از انسان می‌شود. گستره این شناخت و مطلوبیت اهداف، بسیار وسیع می‌باشد. با توجه به فرهنگ دینی، این نوع اهداف متناسب با شناخت مادی بوده، همه لذت‌های مادی در آن لحاظ می‌شود. تعدد اهداف و مطلوبیت‌های رفتار، از شاخص‌های این سطح از رفتار می‌باشد. با توجه به آموزه‌های دینی، عقل به تنهایی در شناخت اهداف و مطلوبیت نهایی زندگی انسان ناکارآمد است. لذا نیاز به شناختی در سطح بالاتر می‌باشد که همان شناخت دینی (و حیانی) می‌باشد. وقتی شناخت انسان متأثر از جهان بینی رشد و تعالی پیدا کرد، رفتار انسانی نیز متعالی می‌شود. جهان بینی به کمک عقل آمده و در تعیین اهداف متعالی به او کمک می‌کند. نیت متعالی، از انجام رفتارها و وحدت مطلوب نهایی واحد، که همان قرب الهی به معنای سعادت و آرامش پایدار از شاخصه‌های این سطح از رفتار می‌باشد.



مبانی نظری و الگوی انگیزشی طراحی شده و مقایسه آن با مبانی نظری و الگوهای انگیزشی روان‌شناسی، نشان می‌دهد که شناخت روان‌شناسی از انسان کامل و جامع نبوده، و لذا نظریه و الگوهای مربوط به انگیزش، ناظر به همه ابعاد وجودی انسان نمی‌باشد. همان‌طور که در مبانی نظری بیان شد، انسانیت انسان به نفس (روح) می‌باشد، همان موضوعی که در روان‌شناسی غربی به آن توجه‌ای نشده است. غفلت از این موضوع، موجب نقصان‌های متعددی در توصیف و مخصوصاً توصیه‌های آنها شده است. از جمله این موارد، می‌توان به نیازهای بنیادی، اصیل بودن و منشأ بروز همه رفتارهای انسانی، نفس اشاره کرد. به عبارت دیگر، در الگوی طراحی شده، همه رفتارهای مادی و معنوی، با واسطه یا بی‌واسطه از نفس صادر شده و تحت مدیریت آن می‌باشد.

الگوهای انگیزش موجود، هر چند به صورت دقیق به رفتار و فرایند انگیزش آن توجه داشته‌اند، ولی از آنجاکه شناخت به صورت جامع نبوده، طرح و الگوی ارائه شده آنها نیز ناقص می‌باشد.

نکته دیگر اینکه، الگوهای انگیزشی روان‌شناسی مبتنی بر واقعیات می‌باشد. به عبارت دیگر، فقط به هست‌ها پرداخته شده است که وجود الگوهای انگیزشی متعدد شاهد این ادعا می‌باشد. اما الگوی ارائه شده مبتنی بر حقیقت و واقعیت می‌باشد؛ یعنی سعی شده است با بهره‌گیری از تجربه، عقل و وحی، حقیقت ماهیت انسان تبیین و از طریق آن، به فرایند بروز رفتار و اهداف نهایی آن دست یافت. با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان از الگوی طراحی شده در تربیت و تعالی انسان که ثمره آن آرامش و سعادت مادی و معنوی او، که خواسته همه اندیشمندان و متفکران می‌باشد، استفاده کرد.

## منابع

- اتکینسون، ریتا ال و همکاران، ۱۳۸۵، *زمینه روان‌شناسی هیگارد*، ترجمه محمد براهنی، تهران، رشد.
- بشیری، ابوالقاسم، ۱۳۹۳، «نظریه انگیزش در اندیشه دینی»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۲۶، ص ۳۹-۶۰.
- پارسا، محمد، ۱۳۷۵، *انگیزش و هیجان*، تهران، پیام‌نور.
- حسینی، ابوالقاسم، ۱۳۶۷، *بررسی اصول مقدماتی روان‌شناسی اسلامی*، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- خداپناهی، محمدکریم، ۱۳۸۷، *انگیزش و هیجان*، تهران، سمت.
- ریو، جان مارشال، ۱۳۷۹، *انگیزش و هیجان*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ساوالان.
- شجاعی، محمدصادق، ۱۳۸۴، *دیدگاه‌های روان‌شناختی آیت‌الله مصباح*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ، ۱۳۹۱، *انگیزش و هیجان، نظریه‌های روان‌شناختی و دینی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شولتز، دوان، ۱۳۷۸، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یوسف کریمی و همکاران، تهران، ارسباران.
- فیست، جس و گریگوری جی. فیست، ۱۳۸۶، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، روان.
- لاندرین، رابرت ویلیام، ۱۳۸۶، *نظریه‌ها و نظام‌های روان‌شناسی*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴ الف، *اخلاق در قرآن*، (جلد ۱ و ۲)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ، ۱۳۸۴ ب، *آموزش عقاید*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ، ۱۳۹۴، *انسان‌سازی در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ، ۱۳۸۳، *خداشناسی-کیهان‌شناسی-انسان‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ، ۱۳۸۷، *به سوی خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ، ۱۳۶۱، *پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک*، قم، مؤسسه در راه حق.
- ، ۱۳۷۹، *خودشناسی برای خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ، ۱۳۸۵، *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ، ۱۳۸۶، *چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هرگنهان، بی. آر و متیو. اچ السون، ۱۳۸۷، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*، ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران، دوران.
- Arthur S. Reber & Emily Rebe, 1995, *The Penguin dictionary of psychology*, the University of California.
- Reeve, John Marshall, 2001, *Understanding Motivation and Emotion*, New York.
- <http://mesbahyazdi.ir/node/۸۲۴>